

لیگ قهرمانان ۲۰۰۳-۲۰۰۲: منچستر یونایتد ۴- رئال مادرید ۳

# وقتی آبراموویچ و سرمایه وارد فوتبال شد

مرد پرتغالی نقشی اساسی در تشدید فوتبال دفاعی در دهه ۲۰۰۰ داشت. حتی با اینکه در سال ۲۰۲۰ تاکتیک‌های موریניو در لیگ برتر سال هاست که کنار گذاشته شده اما انگلستان از مورینیو و میراثش هنوز عصبانی است.

البته که چلسی با نحوه شکل‌گیری‌اش معنا شده و علی‌رغم اینکه آبراموویچ سعی داشت تا کاری کند این باشگاه جذاب‌تر و بازی‌های سرگرم‌کننده‌ای داشته باشد اما با پارک کردن اتوبوس در جلوی دروازه (به قول خود مورینیو) موفق شد در سال ۲۰۱۲ به دستاورد بزرگی برسد.

شکار یک جایزه که انگار فراری بود (قهرمانی در لیگ قهرمانان) تبدیل به یک وسواس و عقده برای آبراموویچ شده بود. همین وسواس بود که او را بی‌رحم‌تر کرد و بعد از هفت ماه لوبیز فیلیپه اسکولاری و بعد از یک سال نه چندان بد و دو قهرمانی، کارلو آنچلوتی را اخراج کرد و به سرعت صبر و تحملش را هم از آندره ویاش پاش آش از دست داد. هر سه این مربیان بازی‌های جذابی به نمایش گذاشته بودند اما هیچ‌کدام به اندازه کافی خوب نبودند. بعد از آن، مربیگری موقت رابرت دی ماتتو اصلاً جزئی از برنامه نبود. تیم او با میانگین ۲۷/۵ درصد مالکیت توپ در نیمه نهایی لیگ قهرمانان برابر بارسلونا پیروز شد و در یک فینال خسته‌کننده و اعصاب‌خردکن توانست در ضربات پنالتی بایرن مونیخ را شکست دهد. مطمئناً این راهی نبود که آبراموویچ پیش‌بینی کرده بود اما در هر صورت قهرمان لیگ قهرمانان شده بودند و راهی که ۹ سال پیش با دیدن بازی منچستر شروع کرده بود را به پایان رسانده بود. معمولاً فوتبال برای جداسازی یک متغیر یا یک لحظه خاص بسیار پیچیده است اما مطمئناً این اتفاق فوتبال را برای همیشه تغییر داد. اگر چه در این مورد، مردی با هیچ‌گونه سابقه علاقه به فوتبال، در یک روز ماه آوریل در اولدترافورد مبهوت بازی شد و ۹۰ دقیقه بعد نه تنها تصمیم گرفت که درگیر فوتبال شود بلکه یک بمب به این ورزش هدیه داد تا تمام صنعت آن از بالا تا پایین تغییر کند.

فقط یک نفر با هیچ سابقه ورزشی می‌توانست به انجام چنین کار جسورانه‌ای فکر کند، کاری که به نظر ساده‌لوحانه است؛ سرازیر کردن صدها میلیون پوند به چنین صنعت خشنی به امید کسب موفقیت در زمین. اما آبراموویچ این کار را کرد و جواب هم داد. با این اتفاق، فوتبال هیچ‌وقت مثل قبل نشد.

در عوض، هت‌تریک رونالدو و گل سرنوشت‌ساز گرونکیاثر باعث یک تغییر اساسی در بازی انگلیسی شد که این تغییر فقط به خاطر تأثیر مالی مرد روس نبود. ژوزه مورینیو، اولین مربی آبراموویچ در چلسی بود؛ مربی‌ای که چشم‌انداز لیگ برتر را به اندازه خود آبراموویچ تغییر داد.

آمدن مورینیو در تابستان ۲۰۰۴، کمی بعد از قهرمانی‌اش با پورتو در لیگ اروپا، یکی از معروف‌ترین لحظات در تاریخ لیگ برتر است. غرور نهفته در کنفرانس مطبوعاتی «آقای خاص» کاملاً عمدی و برنامه‌ریزی شده بود؛ نگاهی کوتاه و اولیه از جنگ روانی‌ای که عملکرد او را معنا می‌کرد.

مطبوعات انگلیسی نمی‌دانستند چه نظری باید در مورد او داشته باشند و همین آغاز تفکر مربی سوپر استار با نبوغ تاکتیک‌های منعطفش در این کشور شد.

مورینیو یک موفقیت آنی بود و بستن قراردادهایی با

آبراموویچ در خانواده‌ای بزرگ شد که علاقه‌ای به فوتبال نداشتند. پیش از خرید چلسی، تقریباً هیچی از فوتبال چه از لحاظ تجاری و چه از لحاظ دیگر نمی‌دانست اما می‌دانست که در بیست و سوم آوریل او شاهد «یک بازی کاملاً زیبا» بوده است. هیجان هفت گل نفسگیر کافی بود تا او را برای خرید باشگاهی فوتبالی متقاعد کند

ثروتمند کرده» اگر این اتفاق نیفتاده بود ما شاید امروز شاهد سرمایه‌گذاری شیخ منصور در منچستر سیتی و یا قطر در پاری سن ژرمن نبودیم. و همه این‌ها از بازی منچستریونایتد در لیگ قهرمانان نشأت می‌گیرد، جایی که آبراموویچ شاهد جو ورزشگاه و هیجان بازی بود و همانجا عاشق شد.

یک بازی کاملاً سرگرم‌کننده که در عین حال پرمخاطره و نفسگیر بود. از گل دقایق ابتدایی رونالدو تا لحظات حساسی که یونایتد نیاز به حداقل سه گل دیگر داشت تا به مرحله بعد صعود کند. یکی از سؤال‌هایی که پیش می‌آید این است که آیا آبراموویچی که در مورد فوتبال خیلی کم می‌دانست، از نتیجه دور رفت آگاه بود و می‌دانست که قوانین گل خارج از خانه چه تأثیری روی نتیجه بازی می‌گذارد؟

با این وجود، آبراموویچ دیگر اسیر بازی شده بود و به سرعت یک بانک سرمایه‌گذاری قرارداد بست تا برایش یک تیم قابل دسترس در انگلستان بیابند. او برای این یک باشگاه لندن می‌خواست که کسب و کارش در این شهر بود و محله ساسکس غربی را خانه دومش می‌دانست، او مدتی کوتاه هم تاتنهام را مورد بررسی قرار داد اما در نهایت چلسی را به خاطر موقعیت جغرافیایی و ساختارهای همکاری ساده‌اش، انتخاب کرد. اما این پایان داستان نبود. برای چلسی اتفاقات کوچک دیگری هم بود که در آینده این باشگاه تأثیر گذاشت.

اگر چه هر باشگاهی را که آبراموویچ خریده بود، تاریخ فوتبال هنوز هم می‌توانست همین‌گونه تغییر کند اما اگر او بر صندلی ریاست آبی‌ها ننشسته بود، آن وقت آنها نمی‌توانستند در آخرین روز فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲ لیورپول را شکست دهند تا طلسم صعود به لیگ قهرمانان را بشکنند.

ضربه یسپر گرونکیاثر منجر به پیروزی ۲ بر ۱ چلسی و در نهایت صعود به رتبه چهارم جدول شد. این در حالی اتفاق افتاد که آبراموویچ وقتی به چلسی آمد، فوراً بازیکنانی همچون کلود ماکله، هرنان کرسپو، خوان سباستین ورون را خریداری کرد. صعود به قله موفقیت می‌توانست بسیار کندتر باشد؛ و در آن صورت نه تنها بسیاری از عناوین قهرمانی برای آبی‌ها به دست نمی‌آمد بلکه آبراموویچ را هم می‌توانست بی‌حوصله کند. افراد نزدیک به مرد روس تصور می‌کردند که او به سرعت از پروژه چلسی خسته شود و رهایش کند. اگر تابستان آن سال آبراموویچ فوتبال فانتزی بازی نکرده بود، شاید شانه‌ای بالا می‌انداخت و رهایش می‌کرد.

مرد روس از بچگی جویری بزرگ نشد که هوادار یک تیم فوتبالی باشد اما آنچه در اولدترافورد دید، او را چنان شیفته خود کرد که تصمیم گرفت در یک باشگاه لندن سرمایه‌گذاری کند. وقتی جان‌تری با لباس چلسی، جام قهرمانی لیگ قهرمانان را در سال ۲۰۱۲ در آلیانز آرنا بالای سر برد، دیدیه دروگبا جام را در جمع قاپید و به دستان مردی داد که از خجالت یک گوشه ایستاده بود. رومن آبراموویچ همانجا بالاخره متوجه شد که این همه وقت دنبال چه بوده؛ چنان تشویقی شد که فرقی نداشت با تشویق دروگبا وقتی گل پیروزی را زد.

فکر می‌کنم اگر ۹ سال پیش آن شب گرم اولدترافورد نبود، هیچ‌وقت این اتفاقات نمی‌افتاد. هفت گل، هت‌تریک رونالدو، ناموفق بودن رئال در جبران گل و یک بازی درخشان از زین‌الدین زیدان، لویس فیگو، دیوید بکام و رود فن نیستلروی که در نهایت منجر به پیروزی ۴ بر ۳ منچستریونایتد برابر رئال مادرید در دور برگشت مرحله یک‌چهارم نهایی در سال ۲۰۰۳ شد؛ یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین بازی‌های قرن بیست و یکم. و اهمیت آنچه که آن شب در اولدترافورد رخ داد در مقایسه با تأثیری که روی این مرد گذاشت، ناچیز است.

آبراموویچ در خانواده‌ای بزرگ شد که علاقه‌ای به فوتبال نداشتند. پیش از خرید چلسی، تقریباً هیچی از فوتبال چه از لحاظ تجاری و چه از لحاظ دیگر نمی‌دانست اما می‌دانست که در بیست و سوم آوریل او شاهد «یک بازی کاملاً زیبا» بوده است. هیجان هفت گل نفسگیر کافی بود تا او را برای خرید باشگاهی فوتبالی متقاعد کند. در عرض یک ماه، او درخواستش را به مسئولان باشگاه چلسی داد و بدون هیچ چون و چرایی رقم هنگفت پیشنهادی آنها را قبول کرد و در عرض ۱۰ روز ریاست چلسی را برعهده گرفت. کمتر از دو ماه بعد، او بیش از ۱۰۰ میلیون پوند برای خرید بازیکنان هزینه کرد.

و دو سال و یک هفته بعد از پیروزی من یونایتد برابر رئال مادرید، آبراموویچ به دو قطبی بودن لیگ برتر میان یونایتد و آرسنال پایان داد و جام قهرمانی لیگ را بالای سر برد.

آنچه آبراموویچ در غرب لندن انجام داد را می‌توان مهم‌ترین لحظه در تاریخ فوتبال دانست.

همانطور که آبراموویچ در مصاحبه با بی‌بی‌سی در سال ۲۰۰۳ گفته بود که «چلسی را تبدیل به اهرمی برای بازی مرد

